

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرح نوتاش
۰۱ جنوری ۲۰۱۸

صدمین سالگرد قتل روزا لوکزامبورگ (Rosa Luxemburg)

و

کارل لیبکنشت (Karl Liebknecht)

یادمانی از «روزا» و «کارل» -

با وجود همه این‌ها انقلاب جهانی پرولتاریائی نظام امپریالیستی را نابود خواهد کرد!

و انسان در کمونیسم رهائی خواهد یافت!

در ۱۵ جنوری ۱۹۱۹ کارل لیبکنشت (Karl Liebknecht) و روزا لوکزامبورگ (Luxemburg Rosa) در برلین به دستور وزیر جنگ رایش المان، «نوسکه» (Noske) توسط سربازان رایش در زندان به قتل رسیدند و بدین ترتیب انقلاب نومبر ۱۹۱۸ توسط «حزب سوسیال دمکرات المان» (SPD) - دولت اِبرت /شیدمان (Ebert/Scheidemann) برای منافع بورژوازی المان سرکوب شد. در سال‌های مبارزات خونین جنوری ۱۹۱۹ جامعه کارگری پرولتاریائی - انقلابی و رهبری آن به طرز وحشیانه‌ای مورد تعرض قرار گرفتند. تنها دو هفته قبل، در سیام دسمبر ۱۹۱۸ زیر فشار این دو رفیق - روزا و کارل - حزب کمونیست المان (KPD) سرانجام ولی دیر ایجاد شد. لازمه قیام انقلابی در المان رهبری پرولتاریائی است، حزب مبارز کمونیستی که متشکل از بهترین مبارزان پرولتاریا بوده و میرا از هرگونه عظمت‌طلبی و فرصت‌طلبی باشد. تنها چنین حزبی قادر خواهد بود جنبش انقلابی علیه جنگ را به دیکتاتوری پرولتاریا و کسب همه جانبه قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و سوسیالیسم رهنمون گردد. تنها از این راه امکان پایان دادن به جنگ‌های امپریالیستی در المان وجود داشت. ولی ضد انقلاب بورژوازی به رهبری «حزب سوسیال دمکرات المان» بر پرولتاریای رزمنده پیروز شد.

روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت - تحت هدایت (KPD)، که توسط آن‌ها ایجاد شده بود، در تضاد کاملی با سیاست «حزب سوسیال دمکرات» قرار داشتند که در جنگ جهانی اول در کنار امپریالیسم المان قرار گرفته بود. آن‌ها به این توهم دامن می‌زدند که بدون انقلاب و از طریق مذاکره با امپراتور می‌توان به جنگ خاتمه داد و از طریق اصلاحات به سوسیالیسم دست یافت.

انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ به رهبری لنین و بلشویک‌ها به جنگ در روسیه خاتمه داد و تأثیر بسزائی در جنبش انقلابی در سراسر جهان و به خصوص المان داشت.

در ماه مه ۱۹۱۵ کمی کمتر از یکسال بعد از شروع جنگ جهانی اول کارل لیبکنشت در اعلامیه‌ای نوشت "دشمن اصلی خلق آلمان در خانه خودی است: امپریالیسم آلمان، شریک جنگی آلمان، دیپلماسی مخفی آلمان"^۱ کمی قبل از شروع انقلاب نومبر ۱۹۱۸ روزا لوکزامبورگ اهداف جنبش کارگری انقلابی را چنین فورمولبندی می‌کند: "سوسیالیسم بدین معنا نیست که در پارلمان گرد هم آئیم و قوانینی را تصویب کنیم، سوسیالیسم برای ما به معنای سرکوب طبقه حاکم با بیرحمی تمام است که پرولتاریا در مبارزاتش مجبور به اعمال آن است"^۲

کی به ما خیانت کرد؟... سوسیال دمکرات‌ها!

قتل روزا و کارل، آگاه‌ترین و مصمم‌ترین پیشتازان مبارزه برای سوسیالیسم در آلمان آن زمان، نقش ضد انقلابی سوسیال دمکراسی را در آغاز قرن بیستم هرچه بیشتر آشکار کرد. (SPD) این حزب اشرافیت کارگری که همواره ادعای نمایندگی خیل وسیع توده‌ها را داشته و دارد، بارها ثابت کرده‌است که در مواقع حیاتی همیشه در کنار سرمایه انحصاری، برای سرکوب سیاسی جنبش کارگری در درون (قوانین اضطراری و پولیس) و سیاست‌های جنگی امپریالیستی (افغانستان نابودی یوگسلاوی!) در بیرون قرار داشته و دارد.

از سوسیال دمکراسی در حال سقوط باید تشکر کرد که باموفقیت‌های ظاهری در دهه ۱۹۷۰ و در اواخر قرن بیستم، به طبقه سرمایه‌داری حاکم امکان داد تا کارگران و توده مردم را ۱۰۰ سال بعد از انقلاب نومبر ۱۹۱۸ از نظر ایدئولوژیک - سیاسی در سطح نازلی نگهداشته و سرکوب کند.

بعد از قتل رهبران حزب کمونیست (KPD) سوسیال‌دمکرات‌ها در آلمان مستقیم و غیر مستقیم از سرکوب انقلابیون و مبارزات ضدفاشیستی در هامبورگ، (Hamburg) راین (Rhein) و روهر (Ruhr) و در آلمان میانی (Mitteldeutschland) پشتیبانی نمودند. حزب سوسیال‌دمکرات علاوه بر اینها با نظامی‌گری ضد کمونیستی‌اش (ماه مه خونین ۱۹۲۹ در برلین) و انشعاب طبقه کارگر، راه را برای صعود فاشیسم هیتلری باز نمود. در اتریش سوسیال-دمکرات‌ها سرکوب انقلاب نومبر، از جمله قتل شش کارگر انقلابی در کشتار «پنجشنبه سبز» در وین در اپریل ۱۹۱۹ را سازماندهی می‌کردند. در ادامه این تعرضات حزب سوسیال دمکرات اتریش مسؤول کشتار پولیس در روز ۱۵ جولای ۱۹۲۷ در مقابل کاخ دادگستری بود که منجر به مرگ ۹۰ نفر و صدها زخمی شد. این حزب قبل از آن هم مسبب شکست سخت مبارزات فبروری ۱۹۳۴ می‌باشد.

در مقابل این سیاست بورژوائی هواداری از امپریالیسم، سوسیال دمکرات‌ها روزا و کارل در ۱۹۱۸ مدام می‌گفتند "واقعیتی است که باید طبقه کارگر آن را آموخته و درک نماید و از آن نتیجه‌گیری کند که با امپریالیسم، جنگ، غارت و انقیاد خلق‌های دیگر، قانون‌شکنی و سیاست قهر آمیز زمانی می‌توان مبارزه کرد که با سرمایه‌داری به جدال پرداخت و در برابر کشتار سیاسی خلق‌ها در سطح جهانی انقلاب اجتماعی را سازماندهی کرد. اگر درون سیاست‌های امپریالیسم به دنبال پیدا کردن راه کمک و یا پیدا کردن اسباب حل مشکلات آن باشیم و با طوفان‌ها و سختی‌های آن مقابله نکنیم بلکه آن را به آنچه که بوده‌است برگردانیم، سیاستی نه پرولتاریائی بلکه خرده بورژوازی و ناامیدانه پیش گرفته‌ایم. این سیاست در واقع چیزی جز دفاع از امپریالیسم گذشته در برابر امپریالیسم آینده نیست."^۳

تنها انقلابات سوسیالیستی قادراند به جنگ‌های امپریالیستی خاتمه دهند!

بزرگداشت و یاد روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت از مبارزاتشان علیه استعمار و جنگ‌های امپریالیستی جدانشدنی است. آن‌ها قاطعانه به مقابله با جنایت‌های امپریالیسم المان در مستعمرات، نیمه مستعمرات و کشورهای وابسته برخاستند. آن‌ها در آن موقع کشتار خلق‌های هرورو (Herero) و ناما (Nama) در نامیبیای (Namibia) امروز (جنوب غربی آفریقا) و نیز سیاست توسعه‌طلبانه امپریالیسم المان در امپراتوری عثمانی و شرکت آن را در کشتار ملت ارمنه افشاء کردند. آن‌ها برای ما امروز خاطره‌ای فراموش‌نشده در مبارزه علیه تجاوز امپریالیستی در بالکان، در غرب - و آسیای میانه و آفریقا هستند. ما با الهام از سیاست روزا و کارل بر وظیفه بین‌المللی و همبستگی‌مان به خصوص با خلق‌های تحت ستم واستثمار امپریالیسم "خودی" تأکید می‌کنیم!

روزا و کارل پیشروان قاطع و مبارز علیه جنگ‌های امپریالیستی بودند. روزا در آستانه جنگ اول جهانی امپریالیستی بارها این سؤال را مطرح کرد "چه دلیلی دارد که یک سرباز المانی، یک سرباز فرانسوی را دشمن خود پندارد که در همان وضعیت سرکوب و استثمار قرار دارد؟ به چه دلیلی باید آن‌ها برای منافع سرکوب‌گران‌شان همدیگر را سلاخی کنند؟" در سخنرانی ماه مه ۱۹۱۴ خواستار این شد که "ارتش عصب زندگی دولت امروزی است و درست علیه آن باید تمامی قدرت خود را متمرکز کنیم"^۴ هنگامی که او در گردهمایی در فرانکفورت/ماین (Frankfurt/Main) خواستار امتناع از رفتن به جنگ شد به عنوان "خان به سرزمین پدری" مورد پیگرد قرار گرفت. روزا هم به دلیل "دعوت به سرپیچی از دستور مقامات رسمی" مجرم اعلام و به یک سال زندان محکوم شد.

کارل لیبکنشت به عنوان اولین نماینده «حزب سوسیال دموکرات المان» به مخالفت با اجبار فراکسیون حزبی برخواست و در ۱۹۱۴/۱۲/۲ علیه دریافت قروض جنگی رأی داد. در آغاز سال ۱۹۱۵ شعله‌های تظاهرات علیه جنگ توسط کارگران برافروخته شد و در اول جنوری ۱۹۱۶ کارل لیبکنشت در تأسیس غیرعلنی حزب کمونیست المان که بعدها به «اتحادیه اسپارتاکوس‌ها» معروف شد، شرکت کرد. او در اول ماه مه ۱۹۱۶ فعالانه در تظاهراتی در برلین که ۲۰۰۰۰ نفر شرکت داشتند سخنرانی کرد و به دلیل طرح شعارهای "مرگ بر جنگ"، "مرگ بر دولت" سریعاً بازداشت و به اتهام خیانت به کشور محبوس شد. در روز آغاز محاکمه (۲۸ جون ۱۹۱۶) ۵۵۰۰۰ کارگر در پشتیبانی از او اعتصاب کردند. اگر ما امروز به تقابل با تهدید شرکت بورژوازی خودی در جنگ‌های جاری امپریالیستی از هر نوع آن از جمله "مأموریت‌های صلح آمیز" برمی‌خیزیم و تظاهرات می‌کنیم روزا و کارل برای ما مشعلی فروزان اند.

همراه با روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت برای سوسیالیسم و حزب کمونیسم

خلاف ادعاهای رفرمیست‌های امروزی، روزا و کارل سرسختانه برای کمونیسم و ضرورت ایجاد حزب کمونیست مبارزه کردند. «کارل در تأسیس حزب کمونیست المان» می‌گوید "حزبی که قاطع و بدون گذشت منافع پرولتاریا را در نظر داشته و تجلی وحدت اراده طبقه کارگر در نظر و عمل باشد، حزبی که برنامه روشنی داشته، حزبی که هدف و راه رسیدن به آن را با عزمی راسخ و قاطع دنبال کند و دچار آشفتگی و سردرگمی نباشد، حزبی که در آن ابزاری به کار گرفته شود که خواستار برآورده کردن منافع انقلاب سوسیالیستی و آرمان‌های انقلاب سوسیالیستی جهانی باشد".^۵ برای این که «حزب کمونیست المان» را بنام کنند، اصلاح‌طلبان و فرصت‌طلبان رنگارنگ همواره به ارضیه به جای مانده‌ای که روزا در زندان انفرادی قبل از مرگش در باره انقلاب روسیه نوشته (!) است اشاره می‌کنند. در این باره باید روشن بگوئیم، روزا لوکزامبورگ که سهم بسزائی در تدارک و تأسیس (KPD) داشت در روز ایجاد حزب می‌گوید "در جواب به آنهایی که امروز به انقلاب بلشویست‌های روسیه تهمت و افتراء می‌زنند می‌گوید: شما کجا

الفبای انقلاب امروزیان را یاد گرفته‌اید؟ از روس‌ها، شما آن را از روس‌ها دارید... این انقلاب روسیه بود که اولین شعارهای انقلاب جهانی را سر داد!" او همزمان در «پرچم سرخ»-ارگان حزب کمونیست المان (Rote Fahne) به دورنمای المان اشاره دارد و بر این نکته تأکید می‌کند "که حزب کمونیست المان به مثابه پیشتاز انقلاب پرولتاریانی گورکن جامعه بورژوازی خواهد بود حال زمان آن فرا رسیده است که با تمامی قدرت به کار مشغول شویم...وظیفه ماست که از تبلیغ مناسبات واقعی با روشنی و حرارت و اشتیاق تمام پشتیبانی و هدایت نمائیم. پرولتاریای المان را به چکش قدرتمندی تبدیل کنیم که حاکمیت طبقاتی را خرد نماید، این پیام تاریخی حزب کمونیست المان است"

همانطور که بلشویک های روسیه به خصوص لنین در بحث‌های بین‌المللی بدرستی انتقاد می‌کنند، دیر بودن تشکیل حزب کمونیست المان است. به نظر آن‌ها روزا و کارل و کمونیست‌های المان زمان طولانی را در «حزب سوسیالیست المان» و بعداً در «اتحادیه مستقل سوسیال دمکرات» (USPD) ماندند به طوری که قیام جنوری ۱۹۱۹ از حزبی با تجربه که کارگران را برای قیام مسلحانه سازماندهی کند محروم ماند.

آموزش از تجارب مثبت و منفی «اتحادیه اسپارتاکیست‌ها» و «حزب کمونیست المان» و مداخله مؤثر «روزا» و «کارل» برای ما کمونیست‌ها امروز بدین معناست: برای اتحاد مارکسیست-لنینیست‌ها و کمونیست‌ها خستگی‌ناپذیر مبارزه کنیم و تشکیل حزب کمونیست را با تمامی قواء به پیش برده و با مرزبندی ایدئولوژیک – سیاسی علیه اصلاح-طلبان و فرصت‌طلبان این دوستان دروغین طبقه کارگر را افاغ و آگاهی سوسیالیستی را درون جنبش تحکیم نمائیم. در صدمین سالگرد قتل این دو انترناسیونالیست برجسته و پیشتازان مبارزه برای انقلاب پرولتاریائی، یاد روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت را گرامی می‌داریم. آن‌ها اسطوره‌های تاریخی از گذشته‌های دور نیستند، نه، آن‌ها رفقای هستند که در مبارزات ما همواره حضور داشته و به ما نیرو و جسارت می‌بخشند.

همانند گذشته توده‌های زحمتکش در کشورهای ما و سراسر جهان اساساً در شرایطی همانند آنچه که امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله تکامل سرمایه‌داری پدید آورده‌است زندگی می‌کنند. بعد از نسبتاً یک دوره کوتاه رونق در اروپای غربی، بعد از جنگ ویران کننده جهانی دوم، بعد از "نقطه عطف نئو لیبرالیسم" در سالهای ۱۹۸۰ در اینجا هم وضعیت معیشتی طبقه کارگر مستمراً بدتر شده‌است. هرچند که تسهیلاتی را ولی نه در مبارزه حاد علیه بورژوازی به دست آورده اند. به خصوص بعد از بحران سال ۲۰۰۸ در اروپا هر ساله تعداد انسان‌هایی که به فقر و نکبت رانده می‌شوند افزایش می‌یابد. سرمایه‌داری در عصر امپریالیسم وارد یک رقابت خشن و مرگبار بین کنسرن‌های بزرگ انحصاری شده‌است که بر فراز دولت‌ها و دستگاهات دولتی در صدد تأمین منافع خویش‌اند. این مبارزات در سطح جهانی جهت دستیابی به مواد خام، بازارهای فروش و مواضع ستراتیژیک، ضرورتاً به جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی منجر می‌گردد. قربانیان اصلی این درگیری‌ها کارگران و توده‌های خلق در کشورهای نومستعمره و وابسته‌اند که بلافاصله با فشار گرسنگی، نکبت جنگ و آوارگی مواجه‌اند. همچنین در مراکز کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری – امپریالیستی، مانند اروپا، فقر خزنده و تنگدستی توده‌های کارگر هم کاملاً چشمگیر است.

ما به عنوان کمونیست‌های انقلابی – نه فقط به دلیل تاریخ انقلابات شکست خورده در اروپای غربی در صد سال اخیر، اطمینان کامل داریم، افق انقلابی که توسط روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت در سال ۱۹۱۸ بر روی کارگران و توده‌های خلق گشوده شده‌است نوید دهنده دنیای نوینی خواهد بود. استوار در راهی که روزا و کارل نشان داده‌اند برای کسب قدرت طبقه کارگر، جهت دستیابی به سوسیالیسم و یک آینده کمونیستی بدون سرکوب و استثمار مبارزه کنیم.

محل تجمع بلوک انقلابی: 10 Uhr U-Bahn Frankfurter Tor

پانویس‌ها:

- ۱ – کارل لیبکنشت، "دشمن اصلی در خانه خودی است"، اعلامیه مه ۱۹۱۵
- ۲ – روزا لوکزامبورگ، سخنرانی در گردهمایی حزب مستقل سوسیال دمکرات در برلین بزرگ، ۱۵ دسمبر ۱۹۱۸
- ۳ – روزا لوکزامبورگ انتخابات جلد ۳ ص. ۳۰
- ۴ – روزا لوکزامبورگ در باره نظامی‌گری و طبقه کارگر جلد ۳ ص. ۴۴۴
- ۵ – کارل لیبکنشت مجموعه آثار جلد ۹، ص ۶۷
- ۶ – روزا لوکزامبورگ جلد ۴، ص ۶۱۶

Unterzeichnet von :

Bolschewistische Partei (Nordkurdistan-Türkei)

Initiative für den Aufbau einer Revolutionär-Kommunistischen Partei (Österreich)

Trotz Alledem (Deutschland)

Stand 28.12.2018

Übersetzt und veröffentlicht:

Ein linker iranischer Aktivist in Wien (Österreich)